ای رسول خدا، با زنی ازدواج کردم. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چه مهریه ی او کردی؟». وی گفت: به وزن یک نواة از طلا؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله برای تو برکت عنایت کند؛ ولیمه بده هرچند با یک گوسفند باشد».

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم عبدالرحمن بن عوف را دید که بر او اثر زعفران است؛ بنابراین فرمود: «مَهْيَمْ؟»: «این چه وضعیتی است؟». عبدالرحمن گفت: ای رسول خدا، با زنی ازدواج کردم. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَا أَصْدَقْتَهَا؟»: «چه مهریه ی او کردی؟». وی گفت: به وزن یک نواة از طلا؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بَارَكَ اللَّهُ لَكَ، أَوْلِمْ وَلَوْ بِشَاةٍ»: «الله برای تو برکت عنایت کند؛ ولیمه بده هرچند با یک گوسفند باشد».
[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم اثر مقداری زعفران بر عبدالرحمن بن عوف می بیند؛ حال آنکه برای مردان شایسته تر این است که از نوعی خوشبویی استفاده کنند که بوی آن پخش می شود و اثر آن باقی نمی ماند. بنابراین از روی انکار، در مورد اثر مذکور از وی سوال می کند؛ و عبدالرحمن خبر می دهد که تازه ازدواج کرده است و چه بسا اثر مذکور از همسرش بر لباس او مانده است؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد ایرادی نمی گیرد. و از آنجا که رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه را دوست داشت، اوضاع و احوال آنان را جویا می شد تا در بهترین وضعیت باشند و آنان را از امور زشت و ناپسند باز می داشت. در ادامه از وی در مورد مهریه ای سوال می کند که برای همسرش در نظر گرفته است؛ و عبدالرحمن می گوید: به اندازه ی وزن یک نواة از طلا مهریه ی وی می باشد. آنگاه برای او دعای برکت می کند و به او دستور می دهد به خاطر ازدواجش ولیمه بدهد ولو اینکه با گوسفندی باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6032